

شناسنامه

از حقوق اولیه هر انسانی داشتن هویتی روشن و شفاف است و شناسنامه برگ هویت هر انسان است و شخص فاقد شناسنامه مانند کسی است که وجود ندارد.

صدور شناسنامه، انتساب اولیه هر شخص را در طبقه اجتماعی او و اینکه پدر و مادر وی چه کسانی هستند و به کدام فامیل تعلق دارند را روشن می‌کند، لذا پدر و مادر مکلفند به محض تولد کودک نسبت به نامگذاری شایسته و اخذ شناسنامه برای فرزند خود اقدام نموده و به مولود جدید هویت ببخشند.

سازمان متولی صدور شناسنامه

سازمان ثبت احوال که زیر مجموعه وزارت کشور می‌باشد موظف است وقایع حیاتی هر فرد اعم از ولادت، ازدواج، طلاق، رجوع، بذل مدت و وفات را ثبت و نسبت به صدور شناسنامه و تسلیم آن به متقاضی اقدام نماید.^۱ بعد از صدور سند سایر نهادها و سازمانها اعم از دولتی و یا خصوصی به استثنای سازمان ثبت احوال کشور، دفاتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق، نمایندگی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل و اداره کل انتخابات، حق نقش مهر و درج هیچ‌گونه مطلب و یا آثار دیگری روی شناسنامه را ندارند. بنابراین به استثنای اظهارات سازمان‌های منصوص در حدود قانونی، سایر مطالبی که توسط سایر اشخاص در حین صدور یا بعد از صدور شناسنامه در آن درج می‌شود از اعتبار سند رسمی برخوردار نخواهند بود.^۲

کسی که مکلف به اعلام تولد طفل می‌باشد، می‌تواند در حوزه دیگری غیر از حوزه‌یکه طفل متولد شده آنرا طبق تشریفات اعلام دارد. و در این صورت باید مراتب به حوزه محل نامبرده نیز اطلاع داده شود تا در کلیه مستندات سجلی او درج گردد.^۳

– سند سجلی عبارتست از سندی که مطابق مقررات قانونی ثبت احوال به ثبت رسیده و مندرجات آن رسمی و معتبر است.

– در هر محل، وقایع چهارگانه تولد، ازدواج، طلاق و وفات باید در دفاتر ثبت احوال طبق قانون ثبت شود.

– شناسنامه برگ رسمی است که هویت دارنده‌ی آن را می‌نمایاند و به وسیله‌ی ماموران مربوطه، مطابق دفاتر سجد احوال تنظیم و به صاحب آن داده می‌شود.

– طبق قانون، کلیه اتباع ایران باید دارای شناسنامه باشند.^۴

^۱ - <http://www.bashgaah.com>

^۲ - <http://www.notary.ir>

^۳ - سید حسن امامی- حقوق مدنی جلد ۴ - چاپ چهاردهم- تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة- ۱۳۷۶- صفحه ۱۸۳

^۴ - <http://dadkhahi.blogspot.com>

ثبت ولادت

ولادت هر طفل در ایران، اعم از اینکه پدر و مادر ایرانی یا خارجی باشند باید ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ ولادت به اداره ثبت احوال و ولادت اطفال ایرانی مقیم کشورهای خارجی به کنسولگری محل اقامت و یا به نزدیکترین کنسولگری اعلام گردد و پس از اعلام ولادت اگر طفل ایرانی باشد شناسنامه‌ای با مشخصات وی صادر و تحویل پدر و مادرش می‌شود و در صورت خارجی بودن طفل گواهی ولادت صادر و تحویل والدین کودک می‌گردد.

هر شناسنامه‌ای دارای یک شماره مخصوص خواهد بود که شماره شناسنامه شخص صاحب شناسنامه می‌باشد و این شماره باید در کلیه مدارک مربوط به ثبت احوال وی قید گردد و ثبت ولادت یا به گواهی پزشک یا مامای رسمی یا به تصدیق مؤسسه‌ای که کودک در آنجا متولد شده و یا شهادت دو شاهد انجام خواهد شد.

اعلام ولادت و اخذ شناسنامه از طرف اشخاص زیر می‌باشد:

- پدر یا جد پدری.

- مادر در صورت غیبت پدر.

- وصی، قیم، امین.

- اشخاصی که قانوناً عهده دار نگهداری طفل می‌باشند.

- متصدی یا نماینده مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است.

- صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد.^۱

افراد مذکور در فوق به ترتیب ذکر نام برای اعلام واقعه تولد بر یکدیگر اولویت دارند. به این معنی که در صورت وجود پدر و انجام وظیفه از جانب او، مادر محق و مکلف به اعلام واقعه نمی‌باشد.

هر چند علی‌الاصول هر یک از افراد فوق می‌توانند به تنهایی اقدام به اعلام ولادت نمایند اما اگر ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد اعلام ولادت و امضای اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با اعلام یکی از ابوین که مراجعه می‌کند با قید نام کوچک طرف غایب تنظیم خواهد شد.^۲

اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت بر خلاف واقع اظهاری نمایند به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.^۳

^۱ - <http://www.bashgaah.com>

^۲ - تبصره ماده ۱۶ قانون ثبت احوال

^۳ - بند الف ماده ۲ قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه

افرادی که به سن ۱۵ سال تمام می‌رسند باید ملصق به عکس همان سال و اثر انگشت و کلاسمان انگشت‌نگاری صاحب آن باشد. همچنین شناسنامه اولیه باید در سی سالگی تمام با عکس همان سال صاحب آن تجدید شود. صاحب شناسنامه پس از رسیدن به سن سی سال مکلف است ظرف مدت یک سال برای تجدید آن مراجعه نماید.^۱

نکاتی ضروری از قانون ثبت احوال

- اگر اعلام‌کننده مادر باشد، نام خانوادگی مادر به طفل داده می‌شود.
- اگر ابوین طفل معلوم نباشد، نام خانوادگی فرضی برای کودک انتخاب می‌شود و فرضی بودن نام و شناسنامه در آن منعکس نخواهد شد.
- سیادت پدر از طریق شناسنامه به فرزند منتقل و در شناسنامه وی قید خواهد شد.
- نام باید متناسب با جنسیت فرد انتخاب شود و معنی و مفهوم زیبایی داشته باشد به طوری که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی نشود.
- تشریف پیروان ادیان و مکاتب دیگر به اسلام و سایر تغییرات مانند تغییر نام در اسناد سجلی ثبت می‌شود.^۲
طفل پیدا شده: هر کسی طفلی را پیدا کند که نسبت او معلوم نباشد باید فوراً مراتب را اطلاع دهد. مأمورین مکلف هستند اطلاعاتی که راجع به آن طفل تحصیل شده است ضمن صورت مجلسی تدوین و صورت مجلس را به دفتر ثبت احوال ارسال دارند. در صورت مجلس نامبرده باید نکات زیر ذکر شود:
 - ۱- محلی که طفل در آنجا یافت شده.
 - ۲- تاریخ پیداشدن طفل و سایر کیفیات مربوط به آن.
 - ۳- تعیین اینکه طفل دختر است یا پسر و تشخیص سن تقریبی او.
 - ۴- آثار و علائم مخصوصی که ممکن است در بدن طفل موجود بوده و باعث شناخته شدن او گردد.
 - ۵- توصیف مختصر البسه و سایر اشیائیکه ممکن است با طفل یافته شده باشد.
 - ۶- شخص یا بنگاهی که طفل به او سپرده می‌شود.
 - ۷- نامی که طفل به آن نامیده می‌شود.^۳

^۱ - <http://www.notary.ir>

^۲ - <http://iscanews.ir>

^۳ - سید حسن امامی- حقوق مدنی جلد ۴ - چاپ چهاردهم- تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة- ۱۳۷۶- صفحه ۱۸۰

ثبت وفات

وفات هر شخصی اعم از ایرانی و خارجی و همچنین ولادت طفلی که مرده به دنیا آمده باید بلافاصله به اداره ثبت احوال اعلام گردد و مراتب فوق در مورد ایرانیان مقیم خارج به نزدیکترین کنسولگری اعلام می شود و گواهی فوت به هر کس که متقاضی باشد تسلیم می گردد.

واقعه فوت باید به گواهی پزشک یا دو نفر شاهد باشد و مهلت اعلام فوت جهت اخذ گواهی ده روز از تاریخ فوت می باشد .

ثبت ازدواج و طلاق

صاحبان دفاتر اسناد رسمی مکلفند وقایع ازدواج و طلاق و رجوع را در دفاتر مربوطه خود ثبت و مراتب را به اداره ثبت احوال محل اطلاع دهند . این وظیفه در خارج از کشور به عهده نزدیکترین کنسولگری می باشد . اداره ثبت مکلف است کلیه وقایع ازدواج و طلاق و رجوع را در دفاتر مربوطه خود ثبت و مراتب را به اداره ثبت احوال محل اطلاع دهد . این وظیفه در خارج از کشور به عهده نزدیکترین کنسولگری می باشد اداره ثبت مکلف است کلیه وقایع ازدواج و طلاق و رجوع و بذل مدت و فسخ نکاح و تعدد زوجات را در دفاتر مربوطه منعکس و سپس به شناسنامه انتقال دهد . ازدواج و طلاق زنی که در نامزدی جدا شده و هنوز باکره است در شناسنامه المثنی درج نخواهد شد. افساء اطلاعات مذکور در دفاتر ثبت احوال جز برای صاحب سند و مقامات قضایی و دولتی ممنوع است .

ابطال شناسنامه

ابطال شناسنامه فعلی و تقاضای صدور شناسنامه‌ی جدید باید متکی بر دلایل قانع کننده باشد. معمولاً ابطال شناسنامه برای کم کردن سن صورت می گیرد و در این حالت، خواهان مدعی می شود که به عنوان مثال شناسنامه فعلی متعلق به برادرش است و والدین پس از فوت او، آن را باطل نکرده‌اند. در این راستا باید شهودی معرفی شوند و از طرف دادگاه نیز مساله به پزشکی قانونی برای تشخیص صحت ادعا ارجاع می شود.

پزشکی قانونی با تشریح وضعیت فیزیکی شخص، جواب خود را به دادگاه می دهد. دادخواست ابطال شناسنامه به طرفیت ثبت احوال داده می شود و نیازمند استشهاد محلی است.^۱

تصحیح شناسنامه

در دعوی تصحیح، متقاضی مدعی است که شناسنامه متعلق به شخص خودش می‌باشد ولی بر اثر اشتباه مأمور ثبت، سن واقعی او در شناسنامه قید نگردیده است.

قابل ذکر است هر کسی فقط یک بار در طول عمر خود و در صورتی که اختلاف سن واقعی وی با سن مندرج در شناسنامه بیشتر از ۵ سال باشد و کمیسیون متشکله نیز آنرا تأیید نماید می‌تواند شناسنامه خود را اصلاح نماید^۱.

مرجع صلاحیت دار

الف: اگر متقاضی مدعی شود اختلاف سن واقعی او با سن مندرج در شناسنامه اش بیشتر از پنج سال است، باید به کمیسوی موسوم به کمیسیون تشخیص سن مستقر در فرمانداری شهرستان محل صدور شناسنامه اش رجوع کند. این کمیسیون مرکب است از: فرماندار یا بخشدار، رییس اداره ثبت احوال محل، پزشک منتخب، مدیرعامل سازمان بهداری استان و رییس شورای اسلامی شهر یا بخش. ریاست این کمیسیون بر عهده قاضی دادگاه محل است. صاحب شناسنامه تنها یک بار در طول عمر خود حق دارد از این طریق برای اصلاح سن مندرج در شناسنامه اقدام کند. این درخواست هم می‌تواند در جهت افزایش و هم کاهش سن باشد. برای مثال متقاضی می‌تواند مدعی شود که سن او در شناسنامه ۴۰ سال است ولی سن واقعی اش ۴۶ سال یا ۳۴ سال است. در هر حال این اختلاف سن نباید کمتر از پنج سال باشد.

ب: اما اگر متقاضی مدعی شود که سن واقعی او با سن مندرج در شناسنامه اش کمتر از پنج سال اختلاف دارد، باید به دادگستری رجوع کند و با رعایت مقررات و تشریفات مربوطه و تقدیم دادخواست طرح دعوا کند.

**مساله

برای توضیح مقررات به زبان ساده این ادعا را در قالب یک مثال بیان می‌کنیم:

علی فرزند حسین مدعی است که سن واقعی اش ۳۲ سال است. ایشان می‌گویند: در سال ۱۳۵۰ در بجنورد به دنیا آمدم. قبل از تولد من، والدینم در سال ۱۳۴۸ پسری داشتند که به واسطه بیماری از دنیا رفت. اما آن‌ها از شدت علاقه به آن فرزند، از شناسنامه او برای من استفاده کردند و دیگر برای من شناسنامه نگرفتند و ... سن واقعی ام ۳۲ سال است ولی از حیث شناسنامه ۳۴ سال سن دارم و ...

ایشان برای تقدیم دادخواست باید به نکات زیر توجه کند:

۱- در مورد این گونه دعوی قانونگذار اجازه داده تا متقاضی، دعوی را در محل اقامت خودش طرح کند. پس اگر محل اقامت علی شهرستان ساوه باشد، نیازی نیست که برای درخواست خود به دادگاه بجنورد مراجعه کند. به عبارت

دیگر دادگاه های عمومی ساوه صلاحیت رسیدگی به ادعای علی را دارند و او باید به دادگستری ساوه رجوع کند.
۲- طرف مقابل ایشان و به اصطلاح خواننده دعوی، اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه یعنی اداره ثبت احوال شهرستان بجنورد است.

۳- علی می تواند خواسته اش را در ستون مربوط به تعیین خواسته در دادخواست چنین بیاورد: الزام خواننده به ابطال شناسنامه شماره ... و صدور یک جلد شناسنامه جدید با درج سن واقعی یعنی ۳۲ سال.

۴- علی مسلماً برای اثبات ادعایش دلایلی دارد. اسناد و مدارک و دلیل هایی که به آن ها استناد می کند می بایست در ستون مربوطه ذکر شود.

برای مثال: استشهادیه محلی - شهادت گواهان - شناسنامه شماره جلب نظر پزشک قانونی و ...

۵- هزینه هایی که علی باید پردازد:

الف- پنج هزار ریال برای اصل ادعا (در اصطلاح هزینه دعاوی غیر مالی)

ب- هزار ریال برای تقدیم دادخواست (اصطلاحاً ورودی)

ج- صد ریال برای هر برگ دادخواست.

د- دویست ریال برای تطبیق کپی هر برگ با اصل آن. برای مثال اگر ایشان به سندی استناد کرد، آن را کپی می کند و به دفتر دادگاه می دهد تا پس از تطبیق، به عنوان سند برابر با اصل پیوست دادخواست شود.

۷- علی باید توجه کند که دادخواست و کلیه برگه های پیوست آن باید در دو نسخه باشند.^۱

بتعیین



جمهوری اسلامی ایران
وزارت عدالت

تاریخ ۱۳۷۰

شماره

پیوست

شماره پرونده

برگه دادخواست به دادگاه عمومی

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت: شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خواهان	مشخصات خواهان (صاحب شناسنامه)				
خوانده	مشخصات خوانده (اداره ثبت احوال محل)				
وکیل یا نماینده قانونی	مشخصات وکیل یا نماینده قانونی (در صورت وجود)				
تعیین خواسته و بنهای آن	تقاضای ابطال شناسنامه و صدور شناسنامه جدید				
دلایل و منضمات دادخواست	۱- فتوایی مصدق شناسنامه و اصل آن ۲- گواهی گواهان ۳- عنداللزوم ارجاع امر به کارشناس (کتاب نظر پزشکی قانونی)				
<p>ریاست محترم دادگاه عمومی... سلام علیکم، احتراماً، به استحضار عالی می‌رساند: ۱- اینجانب خواهان... در تاریخ... بدتیا آمده‌ام. ۲- برادری همتام داشته‌ام که در تاریخ... یعنی... سال قبل از تولد من فوت نموده است. ۳- بعد از فوت برادرم (صاحب اصلی شناسنامه) و تولد اینجانب والدینم شناسنامه متوفی را به من اختصاص می‌دهند. ۴- لذا، نظر به مراتب یاد شده تقاضای رسیدگی و صدور حکم مبنی بر ابطال شناسنامه یاد شده و صدور شناسنامه جدید با تاریخ تولد واقعی را دارم. با تشکر و تجدید احترام نام و نام خانوادگی امضاء</p>					
شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه دادگاه عمومی رسیدگی فرمائید				
شماره	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده				
تاریخ	تاریخ امضاء				

جای روزنامه رسمی کشور - فرم شماره ۱۳۶/۳۳۰/۵۴ - دفتر طرح چهره و بزی

نام محقق: خانم زهرالسادات قرشی